

معادله

ناکامی دعوت تظاهرات ۲۵ بهمن

امیرفیض حقوقدان

۲۵ بهمن ماه سال جاری بهانه ای بود که بمناسبت سالگرد انتخابات سال ۸۸ تظاهراتی بوسیله جنبش سبز علیه جمهوری اسلامی ترتیب داده شود، دراین زمینه اعلامیه هانی هم صادر و امیدواری هانی هم به انجام تظاهرات داده شد ولی همانطور که استحضار دارید مردم به دعوت جنبش سبز اعتنایی نکردند و جنبش سبز که دعوت کننده این تظاهرات بود باخت و سرشکستگی سختی روپرو شد درحدی که سبزی های خارج از کشور هم نتوانستند تحمل این شکست و خواری را بنمایند و از آنجا که کم و بیش ما ایرانیان عادت داریم که تقصیر شکست را به گردن دیگران بیاندازیم و قبول تقصیر و اشتباه محال است، سبزی ها که در حال حاضر حدود ۶۰ دسته یکنفری با اسامی متعدد جماعتی هستند به جان هم برای توجه اتهام افتادند و هر کدام در سایت خودشان علتی برای ناکامی تظاهرات عنوان کردند.

نظریه اینکه اینجانب، به اعتبار توجهی که کم و بیش به روند فعالیت های مبارزاتی دارم، عقاید و نظرات فترقی اسمی جنبش سبز در مورد علت ناکامی تظاهرات ۲۵ بهمن را کال و سطحی یافته ام که در این تحریر علت ناکامی و شکست مفتضحانه آن، به اتفاق ترسیم و برای سهولت دستیابی به علت، موضوع بصورت معادله ای مطرح میشود.

انتخاب اقل ضررین

قاعده انتخاب اقل ضررین، یک خصیصه انسانی است که انسانها بطور طبیعی به رعایت آن عادت دارند و آن این است که بین دو و یا چند ضرر آنکه ضررش کمتر است انتخاب میکند همانطور که در مقابل چند چیز منفعت دار آنکه منفعتش بیشتر و زحمتش کمتر است برمیگزیند.

در قدیم در علم هندسه برای تعریف مثلث و اینکه مجموع دو ضلع یک مثلث، بزرگتر از ضلع سوم است، از مثالی کمک میگرفتند که اگر یک دسته علف در گوشه مثلثی قرارداد شود یک الاغ برای رسیدن به آن دسته علف یک ضلع مثلث را طی میکند نه دو ضلع و همین تشبیه بعنوان قضیه همار در هندسه ملاک مثلث و طول اضلاع آن بود.

قاعده انتخاب اقل ضررین هم همانند قضیه همار در رابطه با انتخاب اقل ضررین همان وسعت عمل و همگانی بودن را دارد در یک حادثه آتش سوزی، انسانی که در آتش محاصره است بین سوختن و پرتاب خود از پنجره دومی را انتخاب میکند که ضررش بمراتب کمتر است.

قاعده اقل ضررین در دعوت تظاهرات ۲۵ بهمن

ایرانیان داخل کشور در پاسخ به دعوت جنبش سبز برای تظاهرات روز ۲۵ بهمن سال جاری، قاعده اقل ضررین را بکار گرفتند بدین توضیح اجمالی، که بین دو ضرر یکی، تحمل مصائب، خشونت ها و سلب آزادیهای جمهوری اسلامی و محرومیت های رفاهی و دیگری، قبول ننگ خدمت برای بیگانه و خاصه سربازی برای اسرائیل ضرر اول که تحمل خشونت و مصائب جمهوری اسلامی بود را اقل ضررین گرفتند.

برای اینکه مجهولات معادله مورد تشبیه، در جایگاه معلوم قرار گیرد تا معادله به حل مطلوب برسد باید اعتبار دعوت کننده تظاهرات که جنبش سبز است معلوم و در جایگاه ارزیابی قرار گیرد.

دو تحقیق مستند یکی در اثبات اینکه حاکمیت وفرمانده عملیاتی جنبش سبزازان آمریکا واسرائیل است و دیگری، اینکه بودجه وهزینه های جنبش سبزاز سوی خارجی ها تامین میشود ومراتب مزبور منابع اعتباری جنبش سبزشناخته میشوند، از طرف نویسنده این تحریرقبلا منتشرشده که اکنون هم درسایت ۱۴۰۰ سال قابل دسترسی است.^۱

از آنجا که انتقال تحریر <حاکمیت جنبش سبز ازان کیست>^۲ در این تحریرکاراضافی است تنها سرفصل ها ودلائل تعلق حاکمیت جنبش سبز ازتحریرمزبور برای اثبات حقانیت ایرانیان درانتخاب اقل ضررین وبه عبارت دیگر برای حل معادله علت ناکامی تظاهرات، به اختصاروبه نیت اشاره به اینجا آورده میشود.



روزنامه وال استریت ژورنال درمقاله ای بقلم چارلز لویسون نوشت: <اسرائیل به مخالفان حکومت ایران دل بسته است>



لوری یویرانی سفیر سابق اسرائیل در ایران ومشاوړاول دولت اسرائیل گفت: <ماهرکاری ازدستمان برمیآید باید درحمایت از مخالفان حکومت ایران بعمل آوریم تاآنها کارشان راتمام کنند>



شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل درگفتگویی باروزنامه فرانکفرترخواستارحمایت کشورهای جهان از جنبش سبزشد



نتانیا هو نخست وزیر اسرائیل درپارلمان کشورش گفت: <مخالفان داخلی جمهوری اسلامی سرمایه مهمی برای اسرائیل است> (پایگاه اینترنتی جروزالم پست هشتم دسامبر ۲۰۰۹)



آهود براك گفت: <مردم بپا خواسته اند، چرا جامعه جهانی از مبارزان ایرانی حمایت لازم رانمیکند، مخالفان جمهوری اسلامی اهمیت بیشتری از تحریمها دارند>



شیمون پرز درسخرانی روسای آژانس یهود دراسفند ماه سال ۱۳۸۸ گفت: <ما باید از مخالفات جمهوری اسلامی حمایت کنیم آنها به نیابت ما بارژیم اسلامی میجنگند>

¹ - <http://1400years.org/AmirFeyz/DokanSabzSecular-AmirFeyz-08April2011.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/AnchekhDahsh-Secularism-AmirFeyz-24May2011.pdf>

<http://1400years.org/AmirFeyz/EghvaayesyasyNouriAla-AmirFeyz-19May2011.pdf>

<http://1400years.org/amirfeyz2.asp> و چند نوشته دیگر که همه در سایت موجود است.

^۲ - حاکمیت جنبش سبز از آن کیست را در اینجا بخوانید

<http://1400years.org/AmirFeyz/HakemiyateSabz-AmirFeyz-Jun7-2010.pdf>



رئیس موساد اسرائیل درسایت وزارت خارجه کشورش گفت: «درخواست مخالفان جمهوری اسلام برای تظاهرات ۲۵ بهمن سال ۱۳۸۹ به بهانه طرفداری از انقلابیون مصر، ریشه اسرائیلی داشت»



سناتور مک کی آمریکائی گفت: «دولت آمریکا، تادرخواست کمکی از مخالفان کشوری نشود، مداخله نمیکند ولی شعار مخالفان حکومت ایران آنهم به انگلیسی مبنی براینکه «اوباما با آنهاستی یاباما» نشانه خوبی است که ازما درخواست کمک دارند ماباید اهداف آنها را اهداف خودمان و آنها بدانیم»

من براین باورم که مخالفان سرانجام تغییراتی راکه ماخواهان آنتهستیم انجام میدهند (بی-بی - سی ۱۴ ژوئن ۲۰۱۰)



هفته نامه تایمز آمریکا درسایت خود بتاریخ ۲۴/۱۱/۲۰۰۹ نوشت: «جنبش سبزرسمای مقامات ارشد آمریکائی تقاضای کمک کرده است» همین سایت، محسن مخملباف رابعنوان نماینده جنبش سبز که از مقامات ارشد آمریکاتقاضای کمک کرده معرفی نمود.



نمونه ها، چه چیزی را ثابت میکند؟

نمونه هائی که اشاره شد و جزئی ازکل است، برای قراردادن در یکطرف معادله ای است که پاسخ قاعده اقل ضررین را بدست بدهد و نشانی قاطع از این است که عملکرد جنبش سبز درجهت منافع و تحت حاکمیت آمریکا و اسرائیل است لامحاله دعوت به تظاهرات ۲۵ بهمن هم ازتوابع همان فرماندهی آمریکا و اسرائیل درجهت هدف های مشخص آن کشورهاست.

معلوم دیگرمعادله مزبور ملاحظاتی به ابعاد نفرت و انزجار ملت ایران از مداخله خارجیان و خاصه ایرانیائی است که با بیگانگان در مداخله در امورکشورشان همکاری دارند.

دراین مورد بهتر است برای جلوگیری از اطاله کلام به سراغ فرهنگ و اخلاق و آموزشهای سنتی جامعه ایرانی نرویم که فصلی مشابه و طولانی است و بهتر است به دیدگاههای خارجیان و حتی ایرانیان که تن به ذلت و خواری توسل به بیگانگان را داده اند رجوع کنیم که بنظر اهمیت آن کافی است برای حل معادله موربحث این تحریر.



دو روز پیش ازتنظیم این تحریر، این خیررادیافت کردم که مرکز مطالعات قطر، طی گزارشی درمورد جنبش سبزنوشت: «حمایت و اشنگتن از هرگروهی در ایران موجب پایان حیات آن خواهد شد»



سایت ایران امروز نوشته است: «این بدان معنا نیست که نیروهای اپوزیسیون از کمک های مالی خارجی اجتناب میکنند بلکه دریافت این کمک های علنی و یادخواست آنها در فرهنگ سیاسی ایران چنان مذموم و ناپسند شمرده میشود که هیچکس حاضر نیست که به آن متهم گردد»



سایت اخبارروز مخالفان جمهوری اسلامی، خطاب به خانم کلینتون نوشت: «**ما به چه حد از فلاکت و بی مسئولیتی رسیده ایم که اختیار خود را بدست قدرتهای بیگانه چون شما آمریکائی ها و شرکای اروپائی آن بدهیم تا بنام آزادی، استقلال و آزادی راسل بکنید؟ هرکس اختیار و سرنوشت خورابه شما سپرده دقیقاً مردنی است. ممکن است برخی از ایرانیان مستاصل بی وطن و یا آنان که عرق میهن پرستی ندارند از شما درخواست کمک کنند این دسته که سربرآستان نوکری شما میسایند و از شما و بارانتان درخواست مداخله و حتی بمباران و وطنشان و مردم را دارند به سرزمین ایران تعلق ندارند**»



رادیو زمانه به اظهارات شخصی بنام محمد دلخواسته استناد کرد و گفت: «در فرهنگ ایرانی هر حرکتی بسوی کشورها غیر ایران و استفاده از آنها مترادف با خیانت است و بس» و بعد جریان توسل و کمک بختیار را به عراق و مجاهدین را مطرح ساخت و سرنوشت آنها را مستند نظر خودش دانست.



نشریه فارین پالسی در همان شماره ای که از زهرا رهنورد بنام سومین متفکر جهان نام برد نوشت: «حمایت ما از جنبش سیزمکن است به همان اندازه که بنفع جنبش باشد به زیان جنبش هم باشد، از این روموضع کمک ما به جنبش باید طوری باشد که نشانی از حمایت کمک های مادی ما از فعالان برضد حکومت نباشد» یعنی کمک مادی بشود ولی محرمانه.^۳



اسناد ویکی لیکس نشان میدهد که داریوش امیرارجمند پس از خروج از ایران در ژانویه سال گذشته از نماینده دولت آمریکا در آنکارا میخواهد که آمریکا علناً جانب اپوزیسیون را بگیرد (یعنی از روش مخفی کاری استفاده شود)



روزنامه وال استریت جورنال مقاله ای بقلم گلسمن معاون وزارت خارجه آمریکا در حکومت بوش نوشت: «سیاستمداران آمریکائی استدلال مینمایند که کمک علنی به مخالفان جمهوری اسلامی سبب میشود که مخالفان ماموردولت آمریکا شناخته شوند»

^۳ - مگر این خود فروشان خود ستا و خود محور به امور محرمانه هم آشنایی دارند.. خودشان با رفتار و حرکت هایشان نشان می دهند چه پیشکش هایی را دریافت کرده اند. ح-ک



فاحشه گری محرمانه

شواهد بالا نشانگر آن است که هم آمریکایی ها و هم جنبش سبزدر جریان تنگناگ کمک مادی و حمایت سیاسی هستند ولی هر دو طرف بمناسبت آگاهی از قبح این عمل ترجیح میدهند و توصیه میکنند که کمک و حمایت، علنی نباشد اگر بخواهیم تشبیهی بران بسازیم عین این است که زنانی که به قبح فحشاء آگاهند و نگران هستند که آشنایان آنها از فاحشه گری و خود فروشی آنها آگاه شوند به مشتریان مرد خودشان توصیه میکنند که ترتیب معاشرت! آنها طوری نباشد که مردم آگاه شوند.

نباید تصور کرد چنین درخواستی از جانب عملجات جنبش سبز از آمریکاییها بی سابقه است، سابقه روشن درخواست پنهان کاری رادهمکاری باخارجیان میتوان در اسناد سفارت آمریکا در رابطه با درخواست بختیار، مقدم مراغه ای، بازرگان و برادرش و سنجایی و دکتر شایگان و خاصه عبدالرحمن برومند یافت که اول شرطشان برای جاسوسی برای آمریکا مخفی ماندن نام آنها بوده است.

این افراد که بهتر است به اعتبار عملشان، آنان را فواحش سیاسی نامید خیال میکنند که قبح عملشان مخفی میماند. مردم شعور و درک سیاسی و اجتماعی دارند به مسئله بیگانه پرستی و نوکری بیگانه حساسیت شدیدی دارند اگر قائل به حس ششمی باشیم حس ششم آنها متوجه همین خیانت وطن در قالب خدمت به بیگانه است. آن فواحش، غافلند از اینکه مردم تفاوتی بین جامعه جهانی، جامعه آزاد، کشورهای دمکرات، کشورهای آزاد و امثال آنها با بیگانه نمیگذارند و نمیتوان زیر این نامها بوطن خیانت و به بیگانه خدمت کرد، مردم ایران و همه کشورهای جهان حاضر نیستند ببهای وعده آزادی و دمکراسی سرنوشت مردم عراق و افغانستان و لیبی را بپذیرا شوند.^۴

حل معادله ناکامی دعوت به تظاهرات ۲۵ بهمن

باشناخت واقعیت در فزای اول و دوم معادله میتوان حل معادله ناکامی دعوت به تظاهرات را در مقابل علامت حل معادله چنین برآورد ساخت:

علت ناکامی دعوت به تظاهرات ۲۵ بهمن، نه رضایت عمومی از جمهوری اسلامی بوده و نه ترس از خشونت جمهوری اسلامی و احتمالات خونریزی و امثال آنها بلکه فقط و انحصاراً انتخاب اقل ضررین بوده است، عقیده راسخ به استحکام این فصل این است که کل و جزء ایرانیان، عدم مشارکت در تظاهرات و درخانه ماندن رابه شرکت در تظاهراتی که هم دعوت کننده آن عامل آمریکا و اسرائیل است و هم تظاهرات، وابسته به جمعیتی است بنام جنبش سبز که حاکمیت آن از آن آمریکا و اسرائیل میباشد و جنبش سبز و عساکر و توابع آن مانند سربازانی شناخته شده اند که برای اسرائیل در خاک ایران میجنگند، ترجیح داده اند.

نه تنها ایرانیان بلکه همه مردم دنیا میدانند و مستند دانستن آنها هم گزارشات سفیر آمریکا در ایران در سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ است که کسانی مانند بازرگان و برادرش، عبدالرحمن برومند، کریم سنجایی، مقدم مراغه ای، شایگان و احمد مدنی که در آن زمان از عساکر جبهه ملی بوده اند بکرات و در کمال اختفا بوسیله سفارت آمریکا از آمریکا میخواستند که در امور ایران مداخله کند و در جهت براندازی رژیم سلطنتی ایران و جایگزینی جبهه ملی اقدام قاطع بنماید. این اصرارها بیش از ۲۰ سال ادامه داشت «اسناد سفارت آمریکا گواه این ننگ است» تا بالاخره اصرارها و درخواست ها موثر افتاد و بتصمیم گوادلپ انجامید و نتیجه آن تصمیم که درخواست عساکر جبهه ملی و نوکران آمریکا مستقر بود همین جمهوری اسلامی جهل و خون است که به ایران و ملت ایران تحمیل شد.

آن افراد خیانتکار و عامل اصلی و دعوت کننده آمریکا به دخالت در امور ایران، هریک به درک واصل شده اند ولی می بینیم که حاصل خیانتهای آنها در چه حد و مرزی است که زبان و عقل قاصر از بیان است.^۵

^۴ - یک فاحشه حد اقل در بیشترین موارد خود را در اختیار مردان شهر و کشور خودش قرار می دهد. فواحش سیاسی خود را در اختیار بیگانه قرار می دهند. یک فاحشه برای امرار معاش و از روی ناچاری تن فروشی می کند که ضررش فقط متوجه خودش و خانواده مستقیم او است ولی یک فاحشه سیاسی ضررش به همه مردم کشور و به همه اجزاء کشور می رسد. ح-ک

^۵ - به زیر نویس بالا (۴) نگاه کنید. ح-ک

همان اسناد سفارت آمریکا نشان میدهد که آمریکانیها در ابتدای رجوع عساکر جبهه ملی به سفارت و درخواست دخالت آمریکا در امور ایران حاضر به قبول درخواست آنها نبودند، همان اسناد نشان میدهد که اصرار مدام آنها ونوید اینکه ایران دارای حکومتی آزاد و دمکرات و متحد غرب و اسرائیل خواهد بود سبب گردید که آمریکائی ها رابه مداخله در امور ایران ترغیب کند.

نسخه ای راکه عساکر جبهه ملی برای دخالت آمریکا در امور ایران پیچیدند و منجر به نحوست حاکم بر ایران امروز گردید دقیقاً نسخه ای است که جنبش سبز بنمابندگی امیر ارجمند، نوری زاده، محسن سازگارا، علی عطری، عباس فخرآور، محمدی، واحدی و شیرین عبادی و امثال آنها بکار گرفته اند و از آمریکا خواستار دخالت در امور ایران و جایگزین ساختن جنبش سبز با جمهوری اسلامی است، با این تفاوت که قبح عمل عساکر جنبش سبز در تاریخ ایران و بل دنیا بی سابقه است زیرا محال است که در دنیا و خاصه ایران کسی پیدا شود که مدعی شود عاشق آمریکا و اسرائیل است (فخرآور) و یکی دیگر، تلاش کند که قبح همکاری و برنامه ریزی برای حمله به ایران را به حسن تبدیل نماید (محمدی)^۶

اثر تبعی

اثر هر کار ناپاک و ضد ملی و قانون، واجد اثرات تبعی هم میشود یکی از اثرات جنایت و خیانت جنبش سبز در دعوت بیگانگان به مداخله در امور ایران، بعثت حضور عساکر آن جنبش در خارج کشور و بخصوص همکاری و حمایت شخصیت های ایرانی خارج از کشور از آن جنبش متعلق به بیگانه، یاد آور فلسفه شکوفای «جبران خلیل جبران» است از اوست که گفته است:

«آدم نیکوکار نمیتواند از کارهای بد بدکاران بری باشد» او اضافه کرده است: «دستهای پاکیزه، از کثافت های انسان های کثیف برکنار نخواهد بود و بسام میشود که انسان بی گناه، قربانی کسی میشود که جرم و خیانت به او نسبت داده شده است. چنانکه گاهی آن بارسنگینی راکه گنهکاران حمل میکنند، بایستی بی گناهان و پری الذمه ها بدوش خود بکشند. بدین جهت نمیتوان یک مرز واقعی بین اشرار و نیکوکاران که باهم داخل شده اند بوجود آورد»

مفهوم فلسفه جبران خلیل جبران این است که نیکوکاران نباید داخل در جنبش سبز بشوند، نباید از آن حمایت کنند که وابسته به بیگانه، و تحریم های اقتصادی ایران نتیجه تلاش و اصرار آنهاست و برنامه دوم آنها هم حمله نظامی به ایران است.

تبریک

این تحریر اجازه میخورد به ایرانیانی که بارعایت قاعده «اقل ضررین» به دعوت جنبش سبز یعنی عساکر آمریکا و اسرائیل اعتنایی نکردند تبریک گفته و این انتخاب عقلانی و میهنی آنها را در طرد دخالت بیگانه در امور ایران تحسین و آفرین بگویند.

حیوانات هم درک تجربه دارند و در یک چاله دوبار پانمیگذارند جنبش سبز مردابی است از تعفن بیگانه پرستی، جنگ طلبی علیه ایران، خشک کردن آن تکلیف و بنای جنبش میهن پرستان برای براندازی جمهوری اسلامی و برقراری نظام قانونی سلطنت مشروطه انتظار میهن ماست.

^۶ - و چند تن دیگر که روزانه در برنامه های آقای میبیدی حضور مستمر دارند.